

تحلیل حقوقی جنایت ناپدیدسازی اجباری اشخاص در حقوق بین‌الملل، به‌عنوان ناقض ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

مریم احمدی نژاد*

شناسه دیجیتال اسناد (DOI) : 10.22066/cilamag.2017.27967

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۱

چکیده

ناپدیدسازی اجباری یا غیرارادی اشخاص، اقدامی منحصربه‌فرد و مرکب است. طی این عمل، مجنی‌علیه ربوده می‌شود، به‌طور غیرقانونی بازداشت شده و اغلب در حین بازجویی، شکنجه یا کشته، و جسد او پنهان می‌شود. این عمل به طرز قابل‌توجهی ناقض حقوق بشری مجنی‌علیه است. یکی از این حقوق بشری که با ارتکاب ناپدیدسازی اجباری به‌شدت نقض می‌شود، «حق فرد به شناسایی در برابر قانون»، موضوع ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. ناپدیدسازی اجباری، که در اسناد بین‌المللی به‌عنوان «جنایت علیه بشریت» شناسایی شده، یکی از جدی‌ترین اشکال قراردادان فرد در خارج از حمایت قانون است و حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی را نقض می‌کند. به عبارتی این عمل، افراد را در وضعیت نامعلومی قرار می‌دهد که امکان دستیابی به حداقل حقوق بشری خویش را ندارند و از این‌رو به‌عنوان شخص در برابر قانون شناسایی نمی‌شوند. مضافاً اینکه در پی ارتکاب این جنایت، قربانیان از حقوق قانونی‌ای که حق بر شناسایی شخصیت حقوقی برای افراد به ارمغان می‌آورد، محروم می‌شوند. بر این اساس، نوشتار پیش‌رو قصد دارد با ارائه تحقیقی توصیفی تحلیلی، ضمن بیان چپستی جنایت ناپدیدسازی اجباری اشخاص، با توجه به اسناد و رویه‌های بین‌المللی تحلیل کند که چگونه این جنایت، ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر را نقض می‌کند.

واژگان کلیدی

ناپدیدسازی اجباری اشخاص، ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق بین‌الملل، حقوق بشر، فرد

مقدمه

ناپدیدسازی اجباری از جمله جرایمی است که حقوق بشری قربانیان را تضییع نموده و محدودیت‌های خاصی را برای ایشان به وجود می‌آورد. محدودیت‌هایی که به قدری شدید و عمیق هستند که معادل ابطال و فسخ^۱ حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی^۲ هستند. «حق شناسایی شخصیت حقوقی»^۳ یا «حق شناسایی در برابر قانون»^۴ از جمله حداقل‌های حقوق بنیادین بشری است که ابتدائاً در برابر اشکال مدرن برده‌داری وضع شده است. این حق که موضوع ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است، به عنوان مفهوم محوری حقوق بشر، صلاحیت هر انسانی را برای دارا شدن حقوق و تعهدات حقوقی بیان می‌کند و هر انسانی را به صرف انسان بودنش در برمی‌گیرد و نتیجه مستقیم حق کرامت انسانی است.^۵

پدیده ناپدیدسازی اجباری یا غیرارادی اشخاص،^۶ از جمله معضلاتی است که مدت مدیدی از طرح آن در عرصه بین‌المللی نمی‌گذرد. از این رو تنها در اسناد معاهداتی خاصی از آن یاد شده است. رویه بین‌المللی نیز بیشتر در سال‌های اخیر به این عمل توجه کرده است. لذا بررسی این پدیده در مقالات و کتب معتبر فارسی‌زبان به ندرت به چشم می‌خورد. بر این اساس در نوشتار حاضر، نگارنده بر آن است که با بررسی و مطالعه جنایت ناپدیدسازی اجباری، آن را به عنوان عملی که حق بنیادین مجنی‌علیه را نسبت به شناسایی شخصیت حقوقی‌اش^۷ نقض می‌کند، معرفی نماید. بدیهی است تحلیل جنایت ناپدیدسازی اجباری و ارتباط آن با ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بدون

1. Derogation

2. Article 6 of The Universal Declaration of Human Rights: Everyone has the right to recognition everywhere as a person before the law. ; Article 16 of The International Covenant on Civil and Political Rights: Everyone shall have the right to recognition everywhere as a person before the law.

«هر انسانی حق دارد تا همه جا در برابر قانون به عنوان یک شخص به رسمیت شناخته شود».

«حق بر شناسایی شخصیت حقوقی»، که در متون حقوقی تحت عناوین «حق بر شخصیت حقوقی» یا «حق افراد بر شناسایی در مقابل قانون» نیز موسوم است، موضوع ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۵ منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم است.

نکته دیگری که تأکید بر آن در ابتدای سخن لازم به نظر می‌رسد این است که اگرچه در نگاه نخست و به لحاظ عنوان، عبارت «شخصیت حقوقی» در «حق بر شخصیت حقوقی» با تعبیر شخصیت حقوقی در خصوص اشخاص حقوقی قرابت لفظی دارند، عبارت اخیر که حول محور شخص حقیقی و شخص حقوقی می‌چرخد، از بحث ما خارج است و صرفاً تشابه در واژگان و عبارت‌بندی این عناوین با حق بر شخصیت حقوقی وجود دارد.

3. "Right to recognition of juridical personality" or "Right to recognition of the Legal Personality"

4. Right to recognition before the law

5. Human Rights Council, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/19/58 /Rev.1, 2 March 2012, para. 42, Preamble. & Johanne Morsink, *The Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting, and Intent*, University of Pennsylvania Press, USA, 2011, p. 44.

6. Enforced or Involuntary Disappearances of Persons

۷. موضوع ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی.

در نظر گرفتن اسناد و رویه‌های بین‌المللی میسر نخواهد بود. لذا تحقیق حاضر، توصیفی تحلیلی است که با روش کتابخانه‌ای و با بهره‌مندی از اسناد و رویه‌های موجود در عرصه بین‌المللی در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که با توجه به اسناد و رویه‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، مفهوم جنایت ناپدیدسازی اجباری اشخاص چیست و بر چه اساسی ناقض ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر محسوب می‌شود؟ در این راستا نگارنده برای پاسخ به پرسش مطروحه پس از بررسی مفهوم و ماهیت ناپدیدسازی اجباری، و بیان ممنوعیت این جنایت در اسناد بین‌المللی، با عنایت به اسناد و رویه‌های بین‌المللی، جنایت ناپدیدسازی اجباری را مصداق بارز نقض حق بر شخصیت حقوقی افراد، موضوع ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر معرفی می‌کند.

۱. مفهوم و ماهیت ناپدیدسازی اجباری اشخاص

پدیده ناپدیدسازی اجباری، نوع جدیدی از نقض حقوق بشر است که در سراسر جهان ارتکاب می‌یابد.^۸ ناپدیدسازی اجباری اشخاص به‌عنوان پدیده‌ای شوم که در دهه‌های هفتاد و هشتاد و برخی از مناطق جهان بخصوص امریکای جنوبی و بالاحص در شیلی و آرژانتین خودنمایی می‌کرد، ابعاد وسیعی یافته است به طوری که در سایر مناطق جهان نیز می‌توان آن را مشاهده کرد.^۹ امروزه تعدد ارتکاب این جنایت به حدی است که واکنش جدی جامعه بین‌المللی را برانگیخته است. در این خصوص، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در موارد متعددی برای افزایش ناپدیدشدن‌های اجباری یا غیرارادی در مناطق مختلف جهان، ابراز نگرانی عمیق کرده است.^{۱۰}

جامعه بین‌المللی اول‌بار برای توقف این معضل بین‌المللی در چارچوب حمایت بین‌المللی از حقوق بشر اقدام کرد.^{۱۱} از اوایل دهه ۱۹۷۰، سازمان‌های غیردولتی، دادگاه‌های حقوق بشر منطقه‌ای و نهادهای معاهده‌ای در مبارزه با این عمل شنیع تلاش کردند. در واقع، علی‌رغم چندین دهه حضور و ماندگاری این پدیده در صحنه بین‌المللی، دیرزمانی از طرح مباحث مربوط به ناپدیدسازی اجباری اشخاص در حوزه حقوق بین‌الملل کیفری نمی‌گذرد.^{۱۲}

ناپدیدسازی‌های اجباری عموماً در امریکای لاتین، آسیا، اروپا و شمال آفریقا، در چارچوب

8. Vitkauskait -Meurice, Justinas ilinskas, *The Concept of Enforced Disappearances in International Law*, Mykolas Romeris University, Lithuania, *Jurisprudence*, vol. 120, No 2, 2010, p. 197.

۹. بیگزاده، ابراهیم؛ «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۱ و ۲۲، ص ۹۱، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷.

10. General Assembly, Resolution adopted by the General Assembly on 20 December 2012, International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, A/RES/67/180, 3 April 2013, para. 10; General Assembly, Resolution adopted by the General Assembly on 26 January 2011, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/16/48, para. 2.

11. Irena Giorgou, *State Involvement in the Perpetration of Enforced Disappearance and the Rome Statute*, *Journal of International Criminal Justice* 11, Oxford University Press, 2013, p. 1003.

12. *Ibid.*, pp. 1001-1002.

سازوکاری توسط دولت یا با حمایت دولت با هدف ارباب مخالفان سیاسی^{۱۳} اعمال می‌شود. از این روست که در برخی موارد، ناپدیدسازی اجباری با عنوان «تروریسم دولتی»^{۱۴} معروف شده است.^{۱۵} ریشه‌های ناپدیدسازی اجباری و استفاده اصلی آن به‌عنوان نظامی برای از بین بردن مخالفان سیاسی و تهدید و ارباب جامعه نشان می‌دهد که هدف خاص این جرم، حمایت از دولت است.^{۱۶} در ظاهر، این جرم بدین صورت واقع می‌شود که معمولاً تعدادی از افراد که سلاح حمل می‌کنند، در لباس شخصی، یا گاهی در لباس رسمی، بدون ارائه دلیل موجه و حکمی مبنی بر اجازه بازداشت، قربانی را ربوده و در این فرایند اگر لازم باشد، اعمال خشونت می‌کنند. در واقع، ناپدیدسازی اجباری یا غیرارادی با جرم و جنایت بین‌المللی و نقض شنیع حقوق بشر آغاز می‌شود.^{۱۷} مجرمین پس از ربودن^{۱۸} قربانی، تمامی ارتباطات قابل تصور فرد ناپدیدشده را با جامعه‌ای که به آن تعلق دارد، قطع می‌کنند و هرگونه امکان ردیابی یا اطلاعاتی را درمورد زنده‌بودن یا مرگ فرد مورد نظر از بین می‌برند.^{۱۹} به عبارت دیگر، ربایندگان، حالتی از عدم اطمینان را درمورد وجود شخص ناپدیدشده ایجاد می‌کنند.^{۲۰} همچنین نکته مهم در خصوص اهمیت این جرم، توجه به این امر است که ناپدیدسازی اجباری، از جمله جرایمی است که در شرایط مختلفی چون عرصه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، درگیری‌های داخلی و وضعیت عادی قابلیت ارتکاب دارد.^{۲۱}

«کارگروه ناپدیدشدن‌های اجباری یا غیرارادی»^{۲۲} در تفسیرهای عمومی خود در خصوص ناپدیدسازی اجباری، این عمل را «جرم مستمر»^{۲۳} توصیف می‌کند. همچنین کارگروه ناپدیدشدن‌های

13. Intimidating political opponents

14. State terrorism

15. M. Berman, R. Clark, State Terrorism: Disappearances *Rutgers Law Journal*, vol. 13, Spring 1982, p. 531.

16. Irena Giorgou, op. cit., p. 1004.

17. Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Enforced or Involuntary Disappearances *Fact Sheet*, No. 6/Rev.3, United Nations Office at Geneva, 2009, p. 1.

۱۸. این بازداشت یا حبس یا ربودن باید به قصد محروم کردن اشخاص از حمایت قانون برای مدت طولانی باشد. ابراهیم بیگزاده؛ «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۱ و ۲۲، ص ۹۱، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷.

۱۹. عموماً پس از گذشت مدت زمانی که شخص طبیعتاً در آن تاریخ زنده نیست به‌عنوان نشانه‌ای از احتمال اینکه قربانی مرده است، می‌توان به مرگ وی پی‌برد.

20. Human Rights Law Centre, *International Human Rights Reports*, vol. 9, Department of Law, University of Nottingham, 2002, p. 171.

۲۱. کاظمی، سیدعلی؛ «بررسی مفهوم ناپدید اجباری افراد»، *فصلنامه پلیس بین‌الملل*، سال اول، شماره ۲، ص ۹۲، تابستان ۱۳۸۹.

22. Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances

کارگروه ناپدیدسازی اجباری یا غیرارادی طی قطعنامه شماره ۲۰ کمیسیون حقوق بشر ایجاد شد. در سپتامبر سال ۲۰۱۴ قطعنامه A/HRC/RES/27/1 شورای حقوق بشر، آخرین قطعنامه‌ای است که مأموریت کارگروه را تمدید کرده است.

23. Continuous Crime

اجباری معتقد است که ناپدیدسازی اجباری، اقدامی منحصر به فرد، تلفیقی و به‌هم‌پیوسته^{۲۴} بوده و ترکیبی از اعمال^{۲۵} که در کنار هم رخ می‌دهند، نیست.^{۲۶} به عبارتی این کارگروه، ناپدیدسازی اجباری را جرم واحدی دانسته و تمامی جرایم در حین ارتکاب ناپدیدسازی اجباری را مشمول عنوان ناپدیدسازی اجباری می‌داند. در نتیجه، تعداد عواملی که می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در این عمل دخیل باشند، بر میزان پیچیدگی این عمل می‌افزاید.^{۲۷} از این رو به لحاظ ماهیت چندگانه ناپدیدسازی اجباری اشخاص، این اقدام، نقض بسیار جدی حقوق بشر شناخته شده است^{۲۸} و به نظر غالب حقوق‌دانان، منع ارتکاب ناپدیدسازی اجباری در حقوق بین‌الملل به قاعده‌ای آمره تبدیل شده است.^{۲۹}

با وقوع ناپدیدسازی اجباری، حق‌های بشری متعددی که برای زندگی انسان ضروری هستند، انکار می‌شوند. از جمله مهم‌ترین حقوقی که مستقیماً با ناپدیدشدن‌های اجباری نقض می‌شوند، عبارت‌اند از: «حق افراد به شناسایی شخصیت حقوقی»،^{۳۰} «حق آزادی و امنیت شخصی»،^{۳۱} «ممنوعیت شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا اهانت‌آمیز».^{۳۲} علاوه بر این، ناپدیدسازی اجباری، تهدیدی بزرگ برای حق حیات بوده و بسیاری از اوقات به نقض حق حیات^{۳۳} منجر می‌شود.^{۳۴} این پدیده، ناقض تعدادی از حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز هست، از جمله حق احترام به حیات خانوادگی،^{۳۵} حق استاندارد مناسب زندگی^{۳۶} و حق تحصیل.^{۳۷}

۲. ناپدیدسازی اجباری اشخاص در اسناد بین‌المللی

اولین سند بین‌المللی در زمینه ناپدیدسازی اجباری، اعلامیه حمایت از کلیه اشخاص ناپدیدشده^{۳۸}

24. A unique and consolidated act

25. Not a combination of acts

26. Philip Grant, General Allegation to the United Nations Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, 25 May 2011, para. 35.

27. Susan McCrory, The International Convention for the Protection of all Persons from Enforced Disappearance, *Human Rights Law Review* 7:3, Oxford University Press, 2007, p. 552.

28. Vitkauskait -Meurice, Justinas ilinskas, *op. cit.*, p. 211.

۲۹. میرمحمدصادقی، حسین؛ «لزوم رعایت حقوق بنیادین بشر به‌عنوان آمره بین‌المللی»، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۳۴ و ۳۵، ص ۱۵۵، بهار و تابستان ۱۳۸۴.

30. Juridical personality: the right to recognition as a person before the law. (guaranteed under Articles 16 of the ICCPR).

31. The right to liberty and security of person. (guaranteed under Articles 9 of the ICCPR).

32. The prohibition against torture and other cruel, inhuman or degrading treatment or punishment. (guaranteed under Articles 7 of the ICCPR).

33. The right to life (guaranteed under Articles 6 of the ICCPR).

34. Declaration on the Protection of All Persons from Enforced Disappearance(1992) , Article 1(2) .

35. *The Rights to Privacy and Family Life* (guaranteed under Articles 17 of the ICCPR).

36. The Right to Adequate Standard of Living (guaranteed under Articles 11 of the ICESCR)

37. The Right to Education. (guaranteed under Articles 13 of the ICESCR)

اجباری (اعلامیه سازمان ملل متحد) مصوب ۱۹۹۲ مجمع عمومی^{۳۸} است. این اعلامیه که پس از تأیید کارگروه ناپدیدشدن اجباری و کمیسیون حقوق بشر، توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آرا طی قطعنامه ۱۳۳/۴۷ در ۱۸ دسامبر ۱۹۹۲ تصویب شد، عمل ناپدیدسازی اجباری را شرح می‌دهد و ارتکاب آن را در تمامی شرایط نهی می‌کند. اعلامیه مذکور از اینکه در بسیاری از کشورها، ناپدیدسازی‌های اجباری به شیوه‌ای پایدار توسط مقامات رسمی از شاخه‌ها یا سطوح مختلف دولت، یا توسط گروه‌های سازمان‌یافته یا افراد خصوصی اقدام می‌شود، یا از طرف، و با حمایت مستقیم یا غیرمستقیم، رضایت یا موافقت دولت صورت می‌گیرد، نگرانی عمیق خویش را ابراز نموده و در ادامه این عملکرد را که افراد را از دسترسی به قانون و حمایت‌های قانونی محروم می‌کند، تضعیف‌کننده ارزش‌های جوامع و نقض‌کننده حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین دانسته، و ناپدیدشدن‌های اجباری را زمانی که به‌عنوان بخشی از رویه‌ای سازمان‌یافته^{۳۹} ارتکاب یابد، تحت عنوان «جنایت علیه بشریت» معرفی نمود.^{۴۰}

دو سال بعد به تاسی از اعلامیه مذکور، برای توقف ناپدیدسازی اجباری که در میان کشورهای امریکای لاتین شایع بوده و در امریکای لاتین به مشکلی حاد مبدل شده بود، «کنوانسیون کشورهای امریکایی در خصوص ناپدیدسازی اجباری اشخاص ۱۹۹۴»^{۴۱} در بین کشورهای امریکایی عضو سازمان کشورهای امریکایی^{۴۲} مصوب شد.^{۴۳} کنوانسیون امریکایی ناپدیدسازی اجباری اشخاص، ناپدیدشدن اجباری را جرمی بزرگ و نفرت‌انگیز علیه حیثیت ذاتی انسان دانست و اعلام کرد که «ناپدیدسازی اجباری شامل نقض‌های متعدد حقوق غیرقابل تعلیق و حقوق بشر حیاتی»^{۴۴} است.^{۴۵} چهار سال پس از تصویب کنوانسیون امریکایی ناپدیدسازی اجباری اشخاص در سال ۱۹۹۸، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، ناپدیدشدن‌های اجباری را در صورتی که بخشی از حمله گسترده یا سازمان‌یافته علیه افراد غیرنظامی ارتکاب یابد، تحت عنوان «جنایت علیه بشریت»، به رسمیت شناخت.^{۴۶} این معاهده، ناپدیدسازی اجباری را این‌چنین تعریف کرده است: «توقیف، حبس یا ربودن اشخاص توسط یا با اجازه، حمایت یا رضایت یک دولت یا سازمان سیاسی، و به دنبال آن، امتناع از

38. UNGA resolution 47/133, the Declaration on the Protection of All Persons from Enforced Disappearance 1992.

39. Systematic practice

40. Declaration on the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, UN Doc. A/47/49 (1992), Preamble.

41. The Inter-American Convention on Enforced Disappearance of Persons 1994

42. The Organization of American States (OAS)

43. Carrie Booth Walling, Susan Waltz, Human Rights: From Practice to Policy, October 2010, *Proceedings of a Research Workshop*, University of Michigan, 2011, p. 17.

44. Violates numerous non-derogable and essential human rights

45. Inter-American Convention on Enforced Disappearance of Persons, Preamble.

46. Rome Statute of the International Criminal Court, Article 7 (1)(i).

اعتراف به محرومیت این اشخاص از آزادی یا امتناع از دادن اطلاعات در مورد سرنوشت یا محل وجود آنان، با هدف دور کردن این افراد از حمایت قانون، برای مدت زمان طولانی»^{۴۷}. به گفته پروفیسور کاسسه، در زمان تصویب اساسنامه رم در سال ۱۹۹۸، ناپدیدسازی اجباری حتی تحت قوانین عرفی بین‌المللی هم جرم محسوب نمی‌شد.^{۴۸} لکن امروزه طبیعتاً «ناپدیدسازی اجباری اشخاص» به‌عنوان جنایت علیه بشریت، در اسناد بین‌المللی و در رویه دادگاه‌های بین‌المللی و سایر نهادهای بین‌دولتی به رسمیت شناخته شده است.^{۴۹} در این راستا ذکر این نکته لازم است که بر اساس دو سند بین‌المللی خاص ناپدیدسازی اجباری: «اعلامیه حمایت از کلیه اشخاص ناپدیدشده اجباری» و «کنوانسیون کشورهای امریکایی در خصوص ناپدیدسازی اجباری اشخاص»، هنگامی که ناپدیدسازی اجباری به‌صورت سازمان‌یافته انجام شود، به‌منزله «جنایت علیه بشریت»^{۵۰} خواهد بود. همچنین در کنفرانس رم که جهت تأسیس دیوان بین‌المللی کیفری تشکیل شد، بحث قابل توجهی در این خصوص درگرفت تا سرانجام، ناپدیدسازی اجباری در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در مفهوم «جنایتی علیه بشریت» تعریف شد.^{۵۱} همچنین گفتنی است، دادگاه بین‌المللی یوگسلاوی سابق (ICTY) در قضیه تادیچ^{۵۲} اعلام کرد که اگر عمل ناپدیدشدن اجباری طی عمل گسترده و سازمان‌یافته بزرگ‌تری انجام شود، به‌منزله جنایت علیه بشریت است؛ بدین معنی که نیاز نیست مرتکب، جرائم متعددی انجام دهد. حتی اگر ارتکاب جداگانه ناپدیدسازی اجباری محصول یک نظام سیاسی مبتنی بر ترور یا تعقیب قانونی باشد، مصداق جنایت علیه بشریت خواهد بود. در واقع این بدان معنی است که ممکن است فردی که تنها مرتکب ناپدیدسازی اجباری علیه افراد غیرنظامی شده است،^{۵۳} به جنایت علیه بشریت متهم شود.^{۵۴}

در پی نارسایی^{۵۵} اعلامیه ۱۹۹۲ سازمان ملل و ضرورت تدوین سندی جامع و الزام‌آور در

47. *Ibid.*, Article 7 (2) (i).

48. Antonio Cassese, *International Criminal Law*, Oxford University Press, 2003, p. 80.

49. Irena Giorgou, *op. cit.*, p. 1009.

50. The systematic practice of such acts is of the nature of a crime against humanity, Declaration on the Protection of All Persons from Enforced Disappearances, Preamble.

51. Irena Giorgou, *op. cit.*, p. 1003.

52. *Prosecutor v. Dusan Tadic*, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (May 7, 1997), Case No. IT-94-1-T.

۵۳. در صورتی که در داخل یک عمل گسترده و سازمان‌یافته بزرگ‌تری انجام شود.

54. Philip Linghammar, *Time for Enforced Disappearance to Disappear*, 2nd Term Paper Human Rights Studies, Supervisor: Dr. Olof Beckman, 2008, p. 17.

۵۵. اعلامیه ۱۹۹۲ سازمان ملل که بر اساس قطعنامه مجمع عمومی تصویب شده است، الزام‌آور نیست چرا که قطعنامه‌های مجمع عمومی غیرالزامی (no-binding) است. این در حالی است که دیوان بین‌المللی دادگستری، بارها بر ماهیت توصیه‌آمیز این قطعنامه‌ها تأکید کرده است.

(Shirley V. Scott, Anthony John Billingsley, Christopher Michaelson, *International Law and the Use of Force: A Documentary and Reference Guide: A Documentary and Reference Guide*, Greenwood Publishing Group, Oxford, USA, 2010, Chapter 6, p. 175.)

زمینه ناپدیدسازی اجباری، و با تلاش کارگروه سازمان ملل متحد در مورد ناپدیدسازی اجباری، برای جلوگیری از گسترش این پدیده در سراسر جهان، در سال ۲۰۰۶ تلاش‌های بین‌المللی برای ایجاد سندی لازم‌الاجرا با گستره جهانی در خصوص ناپدیدسازی اجباری به ثمر نشست و کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از کلیه افراد در مقابل ناپدیدشدن اجباری، توسط سازمان ملل متحد (کنوانسیون سازمان ملل متحد)^{۵۶} به تصویب رسید. این کنوانسیون با سایر اسناد موجود در زمینه ناپدیدسازی اجباری تفاوت دارد چرا که برخلاف «اعلامیه ۱۹۹۲» برای دولت‌ها الزام‌آور بوده و همچنین برخلاف کنوانسیون امریکایی ناپدیدسازی اجباری اشخاص که معاهده‌ای منطقه‌ای است، گستره‌ای جهانی دارد.

در «کنوانسیون بین‌المللی حمایت از کلیه افراد در مقابل ناپدیدشدن اجباری، مصوب سازمان ملل متحد»، ممنوعیت ناپدیدسازی اجباری در ارتباط با تمامی انسان‌ها گسترش یافته و همچنین «حق افراد بر اینکه در معرض ناپدیدسازی‌های اجباری قرار نگیرند»^{۵۷} در این متن پذیرفته شده است. این حق، بنا بر بند ۱ ماده ۱ کنوانسیون مذکور، در شرایط استثنایی و فوق‌العاده، غیرقابل تعلیق است.^{۵۸} نکته قابل توجه در مواد کنوانسیون سازمان ملل متحد، تشکیل کمیته ناپدیدسازی‌های اجباری^{۵۹} در بخش دوم کنوانسیون است^{۶۰} که بر اساس ماده ۳۰ این کنوانسیون، صلاحیت رسیدگی به شکایات فردی را نیز در این حوزه داراست.

نوآوری دیگر کنوانسیون این است که تعریفی که از جرم ناپدیدسازی اجباری ارائه داده است، با مفهومی که اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری از ناپدیدسازی به‌عنوان جنایت بین‌المللی ارائه نموده، تمایز کلیدی دارد چرا که اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، «ناپدیدسازی اجباری اشخاص» را جنایت علیه بشریت دانسته و تصریح می‌کند که تنها زمانی این امر ارتکاب می‌یابد که ناپدیدسازی اجباری به‌عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌یافته، مستقیماً علیه افراد غیرنظامی^{۶۱} انجام

لذا جامعه بین‌المللی نیازمند سندی الزام‌ور بود تا بتواند به نحو مؤثرتری با این جنایت بشری مبارزه کند.

56. The United Nations International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance (United Nations Convention)

57. The Right not to be Subject to Enforced Disappearance

۵۸. تعداد محدودی از حقوق هست که دولت‌ها نمی‌توانند در شرایط اضطراری آن‌ها را تعلیق کنند. این حقوق، که حقوق غیرقابل تعلیق نامیده می‌شوند، برای تمتع کامل از حقوق و آزادی‌های بشری لازم هستند و در هیچ اوضاع و احوالی حتی در زمان‌های فوق‌العاده و اضطراری قابل فسخ نیستند. به عبارت دیگر، در زمان صلح و در زمان جنگ یا شرایط نظامی نیز مورد احترام اند.

(Office of the High Commissioner for Human Rights, Human Rights in the Administration of Justice: A Manual on Human Rights for Judges, Prosecutors and Lawyers, United Nations Publications, 2003, p. 449).

نکته حائز اهمیت در این خصوص اینکه هرگونه شرطی که مغایر با حقوق غیرقابل تعلیق باشد، فاقد اعتبار خواهد بود. ناصر قربان‌نیا؛ «ماهیت عام تعهد به رعایت حقوق بشر و مسئله شرط»، حقوق اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۸۸، ص ۷۴.

59. Committee on Enforced Disappearances

60. Article 26 of the Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance

61. As part of a widespread or systematic attack directed against any civilian population.

شود؛ درحالی‌که کنوانسیون سازمان ملل متحد به‌گونه‌ای طراحی شده که تمامی موارد ناپدیدسازی اجباری را پوشش می‌دهد. در نتیجه این تمایز، سازوکارهای قضایی داخلی و همکاری‌های بین‌المللی در این دو معاهده با هم متفاوت‌اند. دادگاه‌های ملی می‌توانند برای رسیدگی به جرم ناپدیدسازی اجباری در هر دو تعریف اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و کنوانسیون ۲۰۰۶ سازمان ملل متحد، صلاحیت داشته باشند، درحالی‌که دیوان بین‌المللی کیفری تنها در شرایطی که در اساسنامه‌اش به‌شدت محدود شده است، صلاحیت رسیدگی به این جنایت را خواهد داشت.^{۶۲} به‌عبارتی، اگر نقض حقوق بشر، ناشی از ناپدیدسازی اجباری به‌عنوان بخشی از حمله‌ای گسترده یا سازمان‌یافته، مستقیماً علیه افراد غیرنظامی صورت گیرد، جنایت واقع شده در حیطه حقوق بین‌الملل کیفری بوده، و دیوان بین‌المللی کیفری خود را صالح می‌داند که در این خصوص اظهارنظر کند.^{۶۳} در غیر این صورت، رسیدگی به این جرم از جهت نقض حقوق بشر، ابتدا در صلاحیت مراجع قضایی داخلی و سپس در صلاحیت مراجع صلاحیت‌دار بین‌المللی است. البته نباید از نظر دور داشت که در چنین مواقعی که یک جنایت از شدت برخوردار است، کل جامعه بین‌المللی می‌تواند خارج از سه اصل صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی، مرتکبین را بر مبنای صلاحیت جهانی محاکمه کند. به‌عبارتی، دادگاه‌های ملی در خصوص جنایت ناپدیدسازی اجباری، بدون توجه به تابعیت مرتکب و جایی که جرم در آنجا ارتکاب یافته است و بدون اینکه منافع مستقیم آن کشور بر اثر ارتکاب این جنایت صدمه دیده باشد، به جنایت ناپدیدسازی اجباری رسیدگی کنند.

۳. رویه بین‌المللی در خصوص ناپدیدسازی اجباری اشخاص و ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر

«حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی»،^{۶۴} یکی از حقوق بنیادین بشری است که در ماده ۶

62. Susan McCrory, *op. cit.*, p. 551.

۶۳. در این خصوص، توجه به این نکته حائز اهمیت است که دیوان کیفری بین‌المللی طبق ماده ۱ اساسنامه‌اش نسبت به صلاحیت کیفری ملی جنبه تکمیلی (Complementary) دارد و در صورتی اعمال صلاحیت می‌نماید که دادگاه ملی نتواند یا مایل نباشد به اعمال صلاحیت بپردازد. ربکا والاس؛ *حقوق بین‌الملل*، ترجمه و تحقیق: سیدقاسم زمانی و مهناز بهرام‌لو، شهر دانش، ۱۳۹۰، چاپ سوم، ص ۱۶۰. البته از آنجایی که محاکم، بازوی کمکی دیوان کیفری بین‌المللی به شمار می‌آیند و به‌هیچ‌وجه جایگزین آن قلمداد نمی‌شوند، بدیهی است که محاکمات فرمایشی و صوری، و یا وضع مجازات‌های نامتناسب با شدت جرایم ادعایی، و یا عدم اجرای مجازات به نحوی مناسب نمی‌تواند نافی صلاحیت دیوان به شمار آید. سیدقاسم زمانی، «استقرار دیوان کیفری بین‌المللی، بیم‌ها و امیدها»، پژوهش‌های حقوقی، شماره ۲، ۱۳۸۱، ص ۶۸.

۶۴. شایان ذکر است که، اگر چه در نگاه اول و به لحاظ عنوان عبارت «شخصیت حقوقی» در «حق بر شخصیت حقوقی» با تعبیر شخصیت حقوقی در خصوص اشخاص حقوقی قرابت لفظی دارند، عبارت اخیر که حول محور شخص حقیقی و شخص حقوقی می‌چرخد، از این بحث خارج است و صرفاً تشابه در واژگان و عبارت‌بندی این عناوین با حق بر شخصیت حقوقی وجود دارد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر^{۶۵} و ماده ۱۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۶۶} ذکر شده است. این حق پس از حق حیات، از جمله حقوق بشری ممتاز و برجسته‌ای است که نقض آن، اجرای سایر حقوق بشری را متوقف می‌کند. حق مذکور یکی از نیازهای اساسی انسان‌ها برای تمتع از کلیه آزادی‌های اساسی است زیرا این حق، شناسایی افراد را در برابر قانون تضمین می‌کند.^{۶۷} «حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی» که مفهوم محوری حقوق بشر است، صلاحیت هر انسان را برای دارا شدن حقوق و تعهدات حقوقی بیان می‌کند و اغلب به‌عنوان حق برخورداری از حقوق و نتیجه‌ای مستقیم از حق کرامت انسانی توصیف می‌شود.^{۶۸}

در این راستا، یکی از جرایمی که مستقیماً حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی‌اش را نقض می‌کند، و شناسایی وی را به‌عنوان شخص در حیطه قانون و نزد مراجع قانونی مسدود می‌کند، «ناپدیدسازی اجباری اشخاص» است. در سال‌های اخیر، رغبت مراجع نظارتی بین‌المللی در استناد به نقض حق بر شخصیت حقوقی در خصوص ارتکاب ناپدیدسازی اجباری در تنظیم آرای خود افزایش یافته است. به‌عنوان نمونه، دیوان حقوق بشر کشورهای امریکایی،^{۶۹} سابقاً در پرونده *ولاسکوئز*^{۷۰} که در خصوص ناپدیدسازی اجباری بود، به نقض ماده ۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (حق بر شخصیت حقوقی)^{۷۱} استناد نکرده بود. همچنین در قضیه *بریتون علیه گویانا* به تخطی از این حق تصریح نشده است. دیوان تنها اشاره می‌کند که ناپدیدسازی اجباری افراد بشر، نقض متعدد و مستمر بسیاری از حقوقی است که تحت کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، دولت‌های عضو، موظف به احترام و تضمین آن‌ها هستند.^{۷۲}

این در حالی است که اخیراً توجه رویه بین‌المللی به حق افراد بر شناسایی شخصیت حقوقی رو به فزونی است. به‌طور مثال، دیوان امریکایی در قضیه *چیتی علیه گواتمالا* در خصوص ناپدیدسازی اجباری

65. Everyone has the right to recognition everywhere as a person before the law

«هرکس حق دارد که همه جا در برابر قانون به‌عنوان شخص شناسایی شود».

66. Everyone shall have the right to recognition everywhere as a person before the law.

67. Mónica Feria Tinta, *The Landmark Rulings of the Inter-American Court of Human Rights on the Rights of the Child: Protecting the Most Vulnerable at the Edge*, Martinus Nijhoff Publishers, Netherlands, 2008, p. 220 & *Case of the Yean and Bosico Children v. Dominican Republic*, Judgment of September 8 2005, Inter-Am Ct. H.R., para. 113(a).

68. Human Rights Council, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/19/58/Rev. 1, 2 March 2012, para. 42, Preamble; See in particular article 5 of the African Charter on Human and People s Rights, where those two rights are associated.

69. Inter-American Court of Human Rights

70. *Velasquez Rodriguez v. Honduras*, Judgment of July 29, 1988, Inter-Am.Ct.H.R. (Ser. C) No. 4 (1988).

71. Article 3 (Right to Juridical Personality): Every person has the right to recognition as a person before the law.

ماده ۳ (حق بر شخصیت حقوقی): «هر کس حق دارد که در برابر قانون به‌عنوان شخص شناخته شود».

72. *Franz Britton v. Guyana*, Case 12.264, Report No. 1/06, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.127 Doc. 4 rev. 1 (2007) para. 20.

بیان می‌دارد: با توجه به پیچیدگی این نقض شدید حقوق بشر، واقعیت این است که قربانی این جنایت به‌واسطه ناپدیدشدن که یکی از جدی‌ترین اشکال قراردادن فرد در خارج از حمایت قانون است، نمی‌تواند از سایر حقوقش بهره برده و آن‌ها را اعمال کند. نه تنها حقوقی که او مستحق دستیابی به آن است پذیرش نمی‌شود، بلکه وجود آن شخص نیز انکار می‌شود^{۷۳} و این امر او را در نوعی برزخ حقوقی، یا وضعیت حقوقی نامشخص نزد جامعه، دولت و حتی جامعه بین‌المللی قرار می‌دهد.^{۷۴} در نتیجه، عدم پذیرش و عدم تأیید محرومیت از آزادی فرد یا اعلام‌نکردن محل اختفای او، همراه با سایر عناصر ناپدیدسازی، منجر به «کاهش حمایت قانون»^{۷۵} می‌شود و امنیت شخصی و حقوقی فرد را نقض می‌کند و به‌طور مستقیم، مانع پذیرش شخصیت حقوقی فرد می‌شود. به عبارتی، شناسایی او را به‌عنوان شخص نزد قانون انکار می‌کند.^{۷۶} از این‌روست که دیوان امریکایی تصریح می‌کند که ناپدیدسازی اجباری به تجاوزی نسبت به حق شناسایی فرد به‌عنوان شخص در برابر قانون، تبدیل شده است.^{۷۷}

در زمینه ارتباط میان ناپدیدسازی اجباری و نقض حق افراد به شناسایی شخصیت حقوقی در سال‌های اخیر، چندین پرونده در کمیسیون و دیوان حقوق بشر کشورهای امریکایی^{۷۸} مطرح شده است که در این موارد، چه در مرحله بررسی نزد کمیسیون و چه در حکم دیوان در خصوص ناپدیدسازی اجباری، تصمیم کمیسیون^{۷۹} یا حکم دیوان^{۸۰} به نقض ماده ۳ کنوانسیون امریکایی (حق بر شخصیت حقوقی) به‌عنوان یکی از حقوق اصلی نقض‌شده در ناپدیدسازی اجباری تعلق گرفته است. به‌عنوان نمونه می‌توان به پرونده *ویکتور مانوتل / اوربیه* اشاره کرد که در سال ۲۰۱۱ کمیسیون حقوق بشر کشورهای امریکایی به آن رسیدگی کرد. در این پرونده که انجمن بستگان ناپدیدشدگان اجباری و قانون وکلای کلمبیا آن را به کمیسیون ارائه کردند، خواهان‌ها ادعا کردند که در نوامبر ۱۹۸۷، با رضایت مأموران جمهوری کلمبیا، افراد ناشناس، آقای / اوربیه را از زندان لاسیرا^{۸۱} ربودند و از

73. A denial of that person s existence

74. *Case of Chitay Nech et al. v. Guatemala*, Preliminary Exceptions, Merits, Reparations and Costs, Judgment of 25 may 2010, Inter-Am.Ct.H.R., para. 98; and also: *Case Anzualdo Castro v. Perú*, Preliminary Exception, Merits, Reparations and Costs. Judgment of 22 of September of 2009. Series C No. 202, para. 90, and *Case Radilla Pacheco v. México*, Preliminary Exceptions, Merits, Reparations and Costs. Judgment of November 2009. Series C No. 209, para. 157.

75. The subtraction from the protection of the law

76. *Case of Chitay Nech et al. v. Guatemala*, Preliminary Exceptions, Merits, Reparations and Costs, Judgment of may 2010, Inter-Am.Ct.H.R., para. 99.

77. *Ibid.*, para. 102. Consequently, the Court reiterates that in the cases of forced disappearance of persons, this turns into a violation to the right to recognition as a person before the law.

78. The Inter-American Court of Human Rights

79. *Saúl Filorno Cañar Pauta v. Ecuador*, Case 295-03, Report No. 1/11, Inter-Am.C.H.R. . 2011, para. 36 & 38(1); *Andrés Mestre Esquivel v. Colombia*, Case 268-06, Report No. 75/08, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.130 Doc. 22, rev. 1 (2008), paras. 1 & 2 & 46.

80. *Case of Chitay Nech et al. v. Guatemala, op. cit.*, para. 309(4); *Jeremías Osorio Rivera et al v. the Republic of Peru*, Case 11.845, Report No. 140/11, Judgment of 31 October of 2011, Inter-Am.C.H.R., paras. 115 & 116.

81. La Sierra

زمان ناپدیدشدن قربانی تا کنون، سیستم قضایی نیز نتوانسته حقیقت را روشن کند. در این قضیه، خواهان‌ها ادعا کردند که موادی از کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، از جمله «حق برخورداری افراد از شخصیت حقوقی»، موضوع ماده ۳ کنوانسیون نقض شده است. این موضوع پس از بررسی و تأیید در کمیسیون امریکایی، به دیوان حقوق بشر کشورهای امریکایی ارجاع شد.^{۸۲}

در سال ۲۰۰۳ «انجمن کاوش و جستجوی کودکان ناپدیدشده»^{۸۳} پرونده‌ای را در کمیسیون امریکایی طرح کرد. موضوع این پرونده، ناپدیدشدن کودکی به نام *ایمیلیندا هرناندز* بود. کمیسیون در این خصوص اعلام کرد که با توجه به اقامه دعوی خواهان‌ها، ناپدید شدن این کودک، بخشی از طرحی سازمان‌یافته از ناپدیدشدن اجباری کودکان در درگیری‌های مسلحانه در سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۲ در السالوادور بود. از این رو کمیسیون مقرر داشت که در صورت درستی ناپدیدسازی اجباری کودک، ماده ۳ کنوانسیون هم موضوع نقض حقوق وی است. لذا در نهایت پس از بررسی‌های به‌عمل آمده، کمیسیون در سال ۲۰۰۸ نقض ماده ۳ را در این خصوص تأیید کرد.^{۸۴} پس از ارجاع به دیوان، این پرونده همراه با سه پرونده دیگر^{۸۵} که آن‌ها نیز در خصوص ناپدید شدن اجباری کودکان در درگیری‌های مسلحانه در السالوادور بوده و انجمن تفحص برای کودکان ناپدیدشده آن را به کمیسیون ارجاع کرده بود، همراه با هم رسیدگی شد. دیوان نیز در نوامبر ۲۰۱۲ در حکم خویش با استدلالات مشابهی، نقض ماده ۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر (حق بر شخصیت حقوقی) را در خصوص این چهار پرونده تأیید کرد.^{۸۶} کودکانی که موضوع جرم ناپدیدسازی اجباری قرار می‌گیرند، یا به لحاظ ناپدیدسازی اجباری والدینشان از ایشان جدا شده و با هویت جعلی، تمام عمر خویش را طی می‌کنند، نیازمند حمایت مضاعفی هستند چون علاوه بر اینکه این کودکان از حق احترام به حیات خانوادگی خویش محروم می‌شوند، شناسایی آنان نزد قانون با هویتی ساختگی صورت می‌پذیرد که این امر نیز شناسایی آنان را در برابر قانون نقض می‌کند. در دیوان اروپایی حقوق بشر نیز مواردی در خصوص ناپدیدسازی اجباری مطرح شده است؛^{۸۷} از جمله در پرونده کورت علیه ترکیه، که در این پرونده، دیوان اروپایی در بخش واقعیات پرونده به قواعد

82. *Victor Manuel Isaza Uribe and Family v. Colombia*, Case 10.737, Report No. 102/11, Inter-Am.C.H.R. (2011), para. 1, 2, 38, 44.

83. The Association for the Search for Disappeared Children

84. *Emelinda Lorena Hernández v. El Salvador*, Case 732-03, Report No. 11/08, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.130 Doc. 22, rev. 1 (2008), paras. 1, 49, 51(2).

85. *Jose Adrian Rochac Hernandez v. El Salvador*, Case 731-03, Report No. 90/06, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.127 Doc. 4 rev. 1 (2007); *Santos Ernesto Salinas v. Brazil*, Case 733-03, Report No. 10/08, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.130 Doc. 22, rev. 1 (2008); *Manuel Antonio Bonilla Osorio and Ricardo Ayala Abarca v. El Salvador*, Case 1072-03, Report No. 66/08, Inter-Am. C.H.R., EA/Ser.L/V/II.130 Doc. 22, rev. 1 (2008).

86. Cases 12.577, 12.646, 12.647, 12, 667 Merits *Roch Hernandez et al. El Salvador*, Inter-Am.C.H.R., Report No. 75/12, Judgment of 7 November 2012, paras. 4, 185, 186, 236.

87. در دیوان اروپایی حقوق بشر، پرونده‌های متعددی در خصوص ناپدیدسازی اجباری مطرح شده است. از جمله: Case of *Kaya v. Turkey*, European Court of Human Rights, [1998] IIHRL 12 (19 February 1998).

مرتبط بین‌المللی اشاره و در توضیحاتش اذعان کرد که ارتکاب سازمان‌یافته ناپدیدسازی اجباری، ماهیت «جنایت علیه بشریت» داشته و نقض «حق شناسایی به‌عنوان شخص در برابر قانون» است.^{۸۸} همین‌طور کمیته حقوق بشر^{۸۹} در قضیه *گرویا علیه الجزایر* اعلام می‌کند که یکی از حق‌هایی که ممکن است در صورت ارتکاب ناپدیدسازی اجباری نقض شود، حق بر شخصیت حقوقی است چرا که این عمل، شناسایی افراد را در برابر قانون انکار می‌کند.^{۹۰} به‌علاوه کارگروه سازمان ملل در خصوص ناپدیدسازی اجباری، همواره تأکید می‌کند که ناپدیدشدن اجباری، به حق افراد بر شناسایی به‌عنوان شخص در برابر قانون، تجاوز می‌کند.^{۹۱} در این خصوص، کارگروه سازمان ملل تصریح کرده که: حق بر شناسایی شخصیت حقوقی، حقوق بشر را به‌طور گسترده‌ای در سطح جهانی و منطقه‌ای به رسمیت می‌شناسد. در واقع بین یکی از عناصر تعریف قانونی ناپدیدسازی اجباری - قراردادان فرد ناپدیدشده در خارج از حمایت قانون - و حق شناسایی به‌عنوان شخص در برابر قانون، ارتباط محکمی وجود دارد.^{۹۲} همچنین نظر به اینکه کارگروه در تفسیرهای عمومی خود در خصوص ناپدیدشدن اجباری، آن را به‌عنوان جرم مستمر معرفی^{۹۳} و تصریح می‌کند که نقض حق شناسایی به‌عنوان شخص در برابر قانون در این اقدام، تا زمان پایان یافتن ناپیدی و مشخص شدن سرنوشت یا محل نگهداری فرد ادامه پیدا می‌کند،^{۹۴} کارگروه ناپدیدشدن اجباری را نمایانگر نمونه‌ای از تجاوز به حق فرد به شناسایی به‌عنوان شخص در برابر قانون^{۹۵} دانسته و تصریح می‌کند که مأموریت بشردوستانه کارگروه باید برای انکار حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی در سطح داخلی، به‌عنوان تضمینی بین‌المللی در نظر گرفته شود.^{۹۶} بر این

88. *Case of Kurt v. Turkey* (24276/94) [1998] Eur. Ct. H.R., 44 (25 May 1998), para. 64.

89. کمیته حقوق بشر در آرای متعددی به جنایت ناپدیدسازی اجباری پرداخته است. لکن به لحاظ فقدان ارتباط مستقیم متن آرا با حق بر شخصیت حقوقی، از ذکر مشروح آنان صرف‌نظر می‌شود. برخی از آرای مذکور عبارت‌اند از:

Elcida Arévalo Perez et al. v. Colombia, Human Rights Committee, Communication No. 181/1984, U.N. Doc. CCPR/C/37/D/181/1984 (1989); *Mojica v. Dominican Republic*, Human Rights Committee, Communication No. 449/1991, U.N. Doc. CCPR/C/51/D/449/1991 (1994); *Ximena Vicario v. Argentina*, Human Rights Committee, Communication No. 400/1990, U.N. Doc. CCPR/C/53/D/400/1990 (1995).

90. Human Rights Committee of the Covenant on Civil and Political Rights, Communication 1327/04, *Grioua v. Algeria*, 10 July 2007, paras. 7.8, 7.9.

91. Human Rights Council, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/19/58/Rev.1, 2 March 2012, para. 42, Preamble.

92. Human Rights Council, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/19/58/Rev.1, 2 March 2012, para. 42, Preamble.

93. Philip Grant, General Allegation to the United Nations Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, May 25, 2011, para. 35.

94. Human Rights Council, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/19/58/Rev.1, 2 March 2012, para. 42 (4).

95. Enforced disappearance represents a paradigmatic violation of the right to be recognized as a person before the law.

96. Jeremy Sarkin, Statement by the Chair-Rapporteur of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, Nineteenth session of the Human Rights Council, 2012, para. 10.

اساس، پذیرش حق فرد به شناسایی شخصیت حقوقی، مستلزم تعهد دولت‌ها به شناسایی کامل شخصیت حقوقی افراد ناپدیدشده و احترام به حقوق خویشاوندان نزدیک آنان است.^{۹۷} با در نظر گرفتن موارد فوق، نیک پیداست که ارتکاب ناپدیدسازی اجباری، با تخلف از حق افراد به شناسایی شخصیت حقوقی در رویه نهادهای نظارتی و قضایی بین‌المللی ارتباطی تنگاتنگ دارد.

نتیجه

«ناپدیدسازی اجباری»، نوع جدیدی از نقض حقوق بشر است که در برخی از اسناد و رویه‌های بین‌المللی به آن پرداخته شده است. در ناپدیدسازی اجباری، مجرمین پس از ربودن فرد، تمامی ارتباطات قابل تصور میان فرد ناپدیدشده و جامعه‌ای را که به آن تعلق دارد، قطع می‌کنند. همچنین هرگونه امکان ردیابی وی یا دستیابی به اطلاعاتی را، درمورد زنده‌بودن یا مرگ فرد مورد نظر از بین می‌برند. بر این اساس در قواعد حقوق بشری این امر بر عهده دولت‌هاست که از ارتکاب چنین اقداماتی ممانعت به عمل آورند و در صدد حفظ و حراست از حقوق بشری قربانیان تلاش کنند. همان‌گونه که ملاحظه شد، رسیدگی به جرایم مرتکبان ناپدیدسازی اجباری بر عهده مراجع قضایی داخلی و مراجع قضایی و نظارتی بر اجرای حقوق بشر در سطح بین‌المللی است. مرجع قضایی اولیه برای مقابله با ناپدیدشدن اجباری، دادگاه‌های داخلی هستند و اگر این عمل، جزیی از یک عملیات وسیع و سازمان‌یافته باشد که مستقیماً علیه افراد غیرنظامی ارتکاب یافته، داخل در مفهوم جنایت علیه بشریت خواهد بود که پس از مراجع داخلی صلاحیت‌دار، تمامی مراجع داخلی از باب صلاحیت جهانی، صلاحیت رسیدگی خواهند داشت. همچنین دیوان بین‌المللی کیفری نیز بنا بر اساسنامه خویش، مرجع صالح بین‌المللی برای رسیدگی به این جنایت خواهد بود؛ اگرچه نباید از نظر دور داشت که صلاحیت دیوان بین‌المللی کیفری نسبت به صلاحیت کیفری ملی، جنبه تکمیلی دارد. علی‌الاصول، ناپدیدسازی اجباری، اقدامی منحصر به فرد و تلفیقی است که نقض بسیار جدی حقوق بشر شناخته شده است. از این منظر، ناپدیدسازی اجباری که در اسناد بین‌المللی بنا بر شرایطی که ذکر شد، حتی در برخی موارد، «جنایت علیه بشریت» شناخته شده است، یکی از جدی‌ترین اشکال قراردادن فرد در خارج از حمایت قانون بوده و ناقض ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر است. از این رو با نقض «حق بر شخصیت حقوقی فرد»، اجرای سایر حقوق بشری را در خصوص مجنی علیه متوقف می‌کند. مروری بر آنچه گذشت نشان می‌دهد که رویه‌های قضایی و شبه‌قضایی بین‌المللی نیز این سخن را تصدیق و تأیید کرده‌اند.

97. Human Rights Council, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/19/58/Rev.1, 2 March 2012, para. 42 (6).

منابع:

الف) فارسی

- کتاب

- والاس، ربکا؛ *حقوق بین‌الملل*، ترجمه و تحقیق: سیدقاسم زمانی و مهناز بهرام‌لو، شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۰.

- مقاله

- بیگزاده، ابراهیم؛ «بررسی جنایت نسل‌کشی و جنایات بر ضد بشریت در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی»، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۲۱ و ۲۲، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷.
- زمانی، سیدقاسم؛ «استقرار دیوان کیفری بین‌المللی، بیم‌ها و امیدها»، *پژوهش‌های حقوقی*، شماره ۲، ۱۳۸۱.
- قربان‌نیا، ناصر؛ «ماهیت عام تعهد به رعایت حقوق بشر و مسئله شرط»، *حقوق اسلامی*، سال ششم، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۸۸.
- کاظمی، سیدعلی؛ «بررسی مفهوم ناپدید شدن اجباری افراد»، *فصلنامه پلیس بین‌الملل*، سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹.
- میرمحمدصادقی، حسین؛ «لزوم رعایت حقوق بنیادین بشر به‌عنوان امره بین‌المللی»، *دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۳۴ و ۳۵، بهار و تابستان ۱۳۸۴.

ب) انگلیسی

- Books

- Carrie Booth Walling, Susan Waltz, *Human Rights: From Practice to Policy*, October 2010, Proceedings of a Research Workshop, University of Michigan, 2011.
- Cassese, Antonio, *International Criminal Law*, Oxford University Press, 2003.
- Morsink, Johanne, *The Universal Declaration of Human Rights: Origins, Drafting, and Intent*, University of Pennsylvania Press, USA, 2011.
- Scott, Shirley V., Anthony John Billingsley, Christopher Michaelson, *International Law and the Use of Force: A Documentary and Reference Guide*, Greenwood Publishing Group, Oxford, USA, 2010.
- Tinta, Mónica Feria, *The Landmark Rulings of the Inter-American Court of Human Rights on the Rights of the Child: Protecting the Most*

Vulnerable at the Edge, Martinus Nijhoff Publishers, Netherlands, 2008.

- Articles

- Giorgou, Irena, Site Involvement in the Perpetration of Enforced Disappearance and the Rome Statute *Journal of International Criminal Justice* 11, Oxford University Press, 2013.
- McCrory, Susan, The International Convention for the Protection of all Persons from Enforced Disappearance *Human Rights Law Review* 7:3, Oxford University Press, 2007.
- Philip Linghammar, Time for Enforced Disappearance to Disappear , *2nd Term Paper Human Rights Studies*, Supervisor: Dr. Olof Beckman, 2008, p. 17.
- Vitkauskait -Meurice, Dalia and ilinskas, Justinas, The Concept of Enforced Disappearances in International Law , *Mykolas Romeris University, Lithuania, Jurisprudence*, vol. 120, No. 2, 2010.

- Awards and Other Instruments

- *Andrés Mestre Esquivel v. Colombia*, Case 268-06, Report No. 75/08, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.130 Doc. 22, rev. 1 (2008).
- *Case Anzualdo Castro v. Perú*, Preliminary Exception, Merits, Reparations and Costs. Judgment of 22 of September of 2009. Series C No. 202.
- *Case of Chitay Nech et al. v. Guatemala*, Preliminary Exceptions, Merits, Reparations and Costs, Judgment of 25 may 2010, Inter-Am.Ct.H.R.
- *Case of Jeremías Osorio Rivera et al. v. the Republic of Peru*, Case 11.845, Report No. 140/11, Judgment of 31 October of 2011, Inter-Am.C.H.R.
- *Case of Jose Adrian Rochac Hernandez v. El Salvador*, Case 731-03, Report No. 90/06, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.127 Doc. 4 rev. 1 (2007).
- *Case of Saúl Filormo Cañar Pauta v. Ecuador*, Case 295-03, Report No. 1/11, Inter-Am.C.H.R., 2011.
- *Case of the yean and Bosico children v. Dominican Republic*, Judgment of September 8 2005, Inter-Am Ct. H.R.
- *Case Radilla Pacheco v. México*, Preliminary Exceptions, Merits, Reparations and Costs. Judgment of 23 of November of 2009. Series C, No. 209.
- Cases 12,577, 12,646, 12,647, 12, 667 Merits Rochc Hernandez et al. El Salvador, Inter-Am.C.H.R., Report No. 75/12, judgment of 7 November 2012.
- Clark, Roger S. and M. Berman Site Terrorism: Disappearances , *Rutgers Law Journal*, vol. 13, Spring 1982.
- Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance.
- Declaration on the Protection of All Persons from Enforced Disappearance,

UN Doc. A/47/49 (1992).

- *Elcida Arévalo Perez et al. v. Colombia*, Communication No. 181/1984, U.N. Doc. CCPR/C/37/D/181/1984 (1989).
- *Emelinda Lorena Hernández v. El Salvador*, Case 732-03, Report No. 11/08, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.130 Doc. 22, rev. 1 (2008).
- *Franz Britton v. Guyana*, Case 12.264, Report No. 1/06, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.127 Doc. 4 rev. 1 (2007).
- General Assembly, Resolution adopted by the General Assembly on 20 December 2012, International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance, A/RES/67/180, 3 April 2013.
- General Assembly, Resolution adopted by the General Assembly on 26 January 2011, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/16/48.
- General Assembly, Resolution adopted by the General Assembly on 26 January 2011, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/16/48.
- Grant, Philip, General Allegation to the United Nations Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, 25 May 2011.
- Grant, Philip, General Allegation to the United Nations Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, 25 May 2011.
- Human Rights Committee of the Covenant on Civil and Political Rights, Communication 1327/04, *Grioua v. Algeria*, 10 July 2007.
- Human Rights Council, Report of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, A/HRC/19/58/Rev.1, 2 March 2012.
- Human Rights Law Centre, *International Human Rights Reports*, vol. 9, Department of Law, University of Nottingham, 2002.
- Inter-American Convention on Enforced Disappearance of Persons.
- International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance.
- *Kaya v. Turkey*, [1998] IIHRL 12 (19 February 1998).
- *Kurt v. Turkey* (24276/94) [1998] Eur. Ct. H.R., 44 (25 May 1998).
- *Manuel Antonio Bonilla Osorio and Ricardo Ayala Abarca v. El Salvador*, Case 1072-03, Report No. 66/08, Inter-Am. C.H.R., EA/Ser.L/V/II.130 Doc. 22, rev. 1 (2008).
- *Mojica v. Dominican Republic*, Communication No. 449/1991, U.N. Doc. CCPR/C/51/D/449/1991 (1994).
- Office of the High Commissioner for Human Rights, Human Rights in the Administration of Justice: A Manual on Human Rights for Judges, Prosecutors and Lawyers, United Nations Publications, 2003.
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights, Enforced or Involuntary Disappearances, *Fact Sheet*, No. 6/Rev.3,

United Nations Office at Geneva, 2009.

- *Prosecutor v. Dusan Tadic*, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (May 7, 1997), Case No. IT-94-1-T.
- Rome Statute of the International Criminal Court, adopted at a diplomatic conference in Rome on 17 July 1998.
- *Santos Ernesto Salinas v. Brazil*, Case 733-03, Report No. 10/08, Inter-Am. C.H.R., OEA/Ser.L/V/II.130 Doc. 22, rev. 1 (2008).
- Sarkin, Jeremy, Statement by the Chair-Rapporteur of the Working Group on Enforced or Involuntary Disappearances, Nineteenth session of the Human Rights Council, 2012.
- The Inter-American Convention on Forced Disappearance of Persons 1994 (Inter-American Convention).
- The United Nations International Convention for the Protection of All Persons from Enforced Disappearance (United Nations Convention).
- *Velasquez Rodriguez v. Honduras*, Judgment of July 29, 1988, Inter-Am.Ct.H.R. (Ser. C) No. 4 (1988).
- *Víctor Manuel Isaza Uribe and Family v. Colombia*, Case 10.737, Report No. 102/11, Inter-Am.C.H.R. (2011).
- *Ximena Vicario v. Argentina*, Communication No. 400/1990, U.N. Doc. CCPR/C/53/D/400/1990 (1995).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی